انترناسیونال ۷۱۶

در نقد جهتگیری ناسیونالیستی کومله

این نوشته متن کتبی و ادیت شده مصاحبه با رادیو پیام کانادا است.

**رادیو پیام:** همانطور که میدانید شش حزب و سازمان، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومله زحمکتشان کردستان، حزب کومله کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان، سازمان خبات کردستان ایران و کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در یک نشست بیانیه مشترکی را امضا کردند و انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا را تحریم کردند. سئوال اول من اینست که با توجه به اینکه حزب کمونیست کارگری ایران هم در کردستان فعال است چرا در این نشست و اتحاد شرکت نکردید؟

**حمید تقوائی:** برای ما دعوت نامه ای نفرستادند بخاطر اینکه یک سازمان کرد، یک سازمان ناسیونالیستی کرد، نیستیم! ریشه مساله اینجاست. همین سئوال شما نشان میدهد که این ائتلاف اساسا بر سر مساله تحریم انتخابات نیست. حزب ما و خیلی از نیروهای کمونیست در سراسر ایران خیلی قاطع تر، پیگیرتر و فعالتر از این موتلفین انتخابات را تحریم کردند و مردم را از شرکت در این مضحکه باز داشتند ولی این نیروها در این ائتلاف نبودند بسادگی چون یک پسوند کردستان پشت اسمشان نبود. این نشان میدهد سیاستی که متاسفانه کومله در این انتخابات پیش گرفت صرفا یک اتحاد عمل ساده در برخورد به انتخابات و یا تحریم انتخابات در کردستان نبود. این یک ائتلافی بود، یک نزدیکی و گردهمائی بود بین سازمانهای ناسیونالیستی کرد.

**رادیو پیام:** البته آقای ابراهیم علیزاده در گفتگوئی که اخیرا در همین رابطه با ایشان داشتم نظر متفاوتی دارند. نظر ایشان اینست که جنبشی در کردستان هست و لازم بود که ما پاسخی به ضروریات این جنبش بدهیم.

**حمید تقوائی:** بله من آن مصاحبه را شنیدم و خیلی متاسف شدم. بخاطر اینکه آن مصاحبه دقیقا همین نکته را نشان میدهد که مبنا و نقطه عزیمت این ائتلاف نزدیکی و همراهی با سازمانهای کرد بوده است. تاکید ابراهیم علیزاده در این مصاحبه وجود یک جنبش واحد در کرستان است. او صریحا میگوید این ائتلافی بین گرایشات مختلف در این جنبش بوده است. این به نظر من با ابتدائی ترین تحلیلها و تبیین ها و سیاستهای کمونیستی و مارکسیستی مغایر است.

**رادیو پیام:** میتوانید کمی بیشتر توصیح بدهید که چرا مغایر است؟

**حمید تقوائی:** از مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران یک بحث همیشگی ما این بود که حزب دموکرات و کومله دو گرایش یک جنبش واحد نیستند بلکه به دو جنبش متفاوت متعلقند. حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن کومله گرایشی در جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است که مشخصا یک عرصه فعالیتش را مبارزه برای رفع ستم ملی و حل مساله ملی از زاویه منافع طبقه کارگر تشکیل میدهد. در مقابل، حزب دموکرات جنبش ناسیونالیستی در کردستان را نمایندگی میکند. حزب دموکرات البته هیچ زمان این تبیین ما را قبول نداشت و جنگی که در آن زمان بین کومله و حزب دموکرات درگرفت یک پایه اش همین مساله بود. حزب دموکرات همیشه خصلت طبقاتی مبارزات مردم و تضاد منافع بین کارگر و سرمایه دار در کردستان را انکار کرده است. گویا "خلق کرد" همه متحد و هم منفعت هستند و در کردستان نه کارگری هست و نه سرمایه داری و نه استثماری. گویا این دوطبقه در کردستان متحزب نیستند و خواستها و اهداف متضادی ندارند. گویا همه در یک جنبش واحد برای رهائی و رستگاری خلق کرد در برابر دولت مرکزی و فارسها مبارزه میکنند. این تبیین و دیدگاهی بود که حزب دموکرات کردستان همیشه در برابر کومله و حزب کمونیست ایران علم میکرد و بر آن پافشاری میکرد. در مقابل، یک مضمون همیشگی افشاگری و تبلیغات و آگاهگری ما تاکید براین حقیقت بود که جامعه کردستان هم مثل هر جامعه دیگری طبقاتی است، طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار دارد و اینها اهداف و منافع متضادی دارند. حتی مساله ملی برای این دوطبقه دو جایگاه و دو راه حل دارد. از دید ناسیونالیسم کرد حل مساله کرد یعنی سهیم شدن در قدرت مرکزی و برخورداری از بازار کار و سرمایه خودی و استقلال قوانین مالیاتی و تعرفه ها و سرمایه گذاری ها و غیره و از دید طبقه کارگر رفع ستم ملی گام مهمی است در فائق آمدن بر تفرقه افکنی های ملی در میان کارگران و کلا در جامعه و برای ایجاد شرایط مساعد برای مبارزه شفاف و بلاواسطه علیه بورژوازی در کردستان. بنابر این حتی به مساله ملی هم از دوزاویه و دو نوع متفاوت برخورد میشود. آن دوره حزب کمونیست ایران بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان را نوشت که کاملا در برابر تلقی ناسیونالیستی از حل مساله کرد و از خود مختاری و سازشکاریهای ناسیونالیستها با دولت مرکزی و کلا چشم اندازی قرارمیگرفت که حزب دموکرات و امثال او در برابر جامعه قرار میدادند.

**رادیو پیام:** شما اشاره به آن دوره میکنید. استناد میشود به اینکه در آن زمان هم منصور حکمت بحث مذاکره با حزب دموکرات را مطرح کرد و هیاتی از حزب کمونیست ایران با حزب دمکرات وارد مذاکره میشوند. تفاوت آن شرایط با شرایط امروز چه هست که آن موقع مجاز بوده است و الان نیست؟

**حمید تقوائی:** مذاکره با هیچکس در هیچ دوره ای ممنوع نیست. با شیطان بزرگ هم میشود مذاکره کرد. همان موقع حزب کمونیست ایران با حکومت صدام حسین ارتباط داشت. صدام حسین در آن دوره با جمهوری اسلامی در حال جنگ بود و ما از این شرایط استفاده میکردیم برای اینکه سیاستهای مستقل خودمان را به پیش ببریم. این تنزل مساله به رابطه و مذاکره با احزاب دیگر مغلطه است. این را نپذیرید. شما با هر حزبی بر سر هر مساله ای که با اهداف و سیاستهای حزبتان خوانائی داشته باشد میتوانید مذاکره و حتی اتحاد عمل داشته باشید. مساله از آنجا شروع میشود که با همان دیدگاه، با همان تبیینات، و با همان تلقی به مردم و مبارزات آنها نگاه کنید که بورژوازی کرد نگاه میکند. ابراهیم علیزاده طوری از جنبش کردستان صحبت میکند که گویا هویت طبقاتی ندارد، گویا دو طبقه مختلف با دو سیاست و افق و اهداف مختلف در کردستان در مقابل هم نیستند، گویا خلق کرد و ملت کرد همه یک هدف دارند، گویا کمونیستها و ناسیونالیستها دو گرایش از یک جنبش واحد هستند و غیره و غیره. وقتی اینطور صحبت میکنید این دیگر اتحاد عمل و ائتلاف نیست، بلکه به این معنی است که دیدگاه و افق و هژمونی بورژوازی کرد را خواه ناخواه پذیرفته اید.

ببینید بورژوازی در همه جای دنیا - و نه فقط در کشورهائی که مساله ملی مطرح است - تمام تلاشش اینست که بگوید ما نماینده ملت هستیم و این ملت گویا یکپارچه و دارای منافع واحدی است. گویا آقای ترامپ نماینده کل مردم آمریکا است. گویا خانم ترزا می نماینده کل مردم انگلیس است. دروغ و فریبی از این فاحش تر وجود ندارد. یک وجه همیشگی فعالیتهای ما کمونیستها این است که واقعیات طبقاتی جامعه را برجسته کنیم. و نشان بدهیم که مافع ملی، امنیت ملی، اهداف ملی پوچ است. اینها ادعاهای بورژوازی است برای اینکه "بازار ملی" خودش و "سودآوری ملی" خودش و "استثمار ملی" خودش را سازمان بدهد. از دید طبقه کارگر این طبقات هستند که به تحولات و شرایط سیاسی با جدال و کشمکش و مقابله خودشان شکل میدهند. کمونیستها نماینده طبقه کارگر در این جدال هستند. و این جدال وسیع و همه جانبه ای است. کمونیستها فقط برای لغو استثمار مبارزه نمیکنند. ما همه مصائب جوامع امروزی را ناشی از سلطه سرمایه میدانیم و مبارزه علیه هر نوع تبعیض و نابرابری را امرمستقیم خودمان میدانیم. برای رفع ستم ملی، برای برابری زن و مرد، برای جارو کردن مذهب از دولت و جامعه، در دفاع از حقوق کودک، علیه آلودگی محیط زیست، در برابر اعدام و قصاص و قوانین فوق ارتجاعی اسلامی و غیره و غیره. ما کمونیستها برای همه این مسائل راه حل داریم. بورژوازی هم "راه حل" های خودش را دارد. در کردستان هم همه این مسائل مطرح است و مقابله با ناسیونالیسم کرد یک وجه اصلی مبارزه ما در همه این عرصه ها بوده است.

از همان بدو تشکیل حزب کمونیست ایران یک بحث اساسی ما این بود که کومله نماینده جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر هست در شرایط ویژه کردستان که در آن زمان جنبش مقاومت نامیده میشد. جنبش مقاومت در برابر دولت مرکزی - که در تحلیل هایمان آنرا ادامه انقلاب ۵۷ در کردستان میدانستیم. کومله خود را نماینده طبقه کارگر در این جنبش میدانست ولی حزب دموکرات این را نمی پذیرفت و آن زمان - وتا همین امروز - دیدگاه و نظراتی را مطرح میکرد که متاسفانه امروز از زبان ابراهیم علیزاده جاری میشود. بورژوازی کرد همیشه از یک جنبش واحد بعنوان جنبش ملی کرد صحبت کرده است و همیشه مدعی بوده است که همه احزاب و نیروهای سیاسی کرد گرایشات مختلف یک جنبش واحد هستند.

بورژوازی در اپوزیسیون خود را نماینده جنبش ملی و در حکومت خود را نماینده ملت میداند. همه جای دنیا اینطور است. همیشه و همه جا بورژوازی وجود طبقات و تضاد منافع طبقاتی در جنبشها و تحولات سیاسی را انکار میکند. مدتها حزب دمکرات کردستان مدعی بود اصلا طبقه کارگر در کردستان وجود ندارد و احزاب و نیروهای سیاسی کردستان را گرایشات مختلفی در یک جنبش واحد و همگانی"برای حل مساله کرد" میدانست. امروز متاسفانه همان دیدگاه و تبیین را با فرمولبندیهای متفاوت و "چپ" تری از زبان ابراهیم علیزاده میشنویم.

یک بحث اساسی منصور حکمت و کلا رهبری حزب کمونیست ایران در آن دوره این بود که کومله حزب دمکرات رقیب یکدیگر در یک جنبش واحد نیستند، بلکه به دو جنبش متفاوت متعلقند. از دید دو طبقه متفاوت دنیا را تبیین و تفسیر میکنند و سیاست تعیین میکنند و موضع میگیرند و حتی می جنگند. یک بحث ما این بود که سنتهای ناسیونالیستی مبارزه پیشمرگان سنتهای ما نیست. مبارزه نظامی کومله مبارزه شاخه نظامی یک حزب کمونیست در کردستان است که رکن و مبنای فعالیتش را جنبش کارگری در شهرهای کردستان تشکیل میدهد. یک تلاش ما این بود که نشان بدهیم مبارزه نظامی کومله ادامه سنت پیشمرگایتی نیست و حتی در این عرصه نظامی هم ما تفاوتهای اساسی با حزب دموکرات داریم. اینها ابعاد مختلف تقابل ما با ناسیونالیسم کرد بود و ابراهیم علیزاده بهتر از من در جریان همه این مباحث بوده است. اگر امروز مواضع دیگری میگیرد بخاطر اینست که شرایطی در منطقه ایجاد شده که ابراهیم علیزاده تشخیص میدهد باید بعنوان یک نیروی کرد موضع بگیرد و عمل کند و در چهارچوب جنبش کرد سخن بگوید و در راهی پا بگذارد که چند سال قبل عبدالله مهتدی آغاز کرد. متاسفانه امروز کومله به این سمت حرکت میکند.

**رادیو پیام:** به شرایط منطقه شاره کردید. این شرایط چیست؟

**حمید تقوائی:** شرایط امروز منطقه ادامه و مرحله تازه ای از وضعیت عمومی است که با جنگ خلیج در سال ۹۱ شروع شد. در آن مقطع بود که کمونیسم کارگری بحثها و نظراتش را مطرح کرد و بخشی از تشکیلات حزب کمونیست ایران با منصور حکمت و کمونیسم کارگری نیامدند بخاطر اینکه میخواستند در همان چارچوب سیاستهای منطقه ای باقی بمانند. در آن دوره اگر بخاطرداشته باشید نیروهای ناسیونالیست کرد در عراق تماما در کنار آمریکا قرار گرفتند و زیر حریم هوائی نیروی نظامی آمریکا در منطقه کردستان عراق دولت اقلیمی خود را برپا کردند. دولتی که تا همین امروز مستقر است.

به این ترتیب جنگ خلیج باعث شد که ناسیونالیسم کرد بجلو رانده بشود و سربلند کند و مدعی بشود. آن اتفاق متاسفانه در حزب کمونیست ایران هم افتاد. ناسیونالیسم خفته در کومله که به تشکیل حزب کمونیست تمکین کرده و رضایت داده بود جان تازه ای گرفت. نهایتا مقاومت این گرایش در برابر نظرات و تحلیلهای رادیکال و کمونیستی منصور حکمت، به جدائی منصور حکمت و تشکیل حزب کمونیست کارگری منجر شد. البته نظرات و مباحث کمونیسم کارگری صرفا بر سر مسائل منطقه نبود. شوروی در حال فروپاشی بود و منصور حکمت در پاسخ به این شرایط نوین پرچم کمونیسم دیگری، کمونیسم کارگری را برافراشت. او اعلام کرد که باید کمونیسم را نه تنها در پاسخ به مسائل منطقه - که در آن مقطع به گرهگاه اعمال هژمونی آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد تبدیل شده بود- بلکه در سراسر دنیا از زیر آوار دیوار برلین و "کمونیسمهای" غیر کارگری که با فروپاشی بلوک شرق دوره آنها نیز به اتمام میرسید، بیرون کشید و روی پای خودش و جنبش طبقاتی خودش قرار داد. گرایش دیگری در حزب بود که با توجه به موقعیتی که ناسیونالیسم کرد در عراق بدست آورده بود چشم انداز و افق دیگری پیدا کرده بود. امروز هم شاهد نوعی تکرار همان سناریو هستیم.

امروز بعد از سربلند کردن داعش و فعال شدن نیروهای ناسیونالیست کرد در سوریه و در عراق در کنار و بهمراه نیروهای آمریکائی و بلوک متحد آمریکا در منطقه، به نوعی مساله کرد دوباره در چارچوب کشمکشها و مناقشات منطقه ای بجلو رانده شده است و نیروهای ناسیونالیسم کرد میدان عمل تازه ای برای مانورها و یارگیریهای همیشگیشان بین دولتها و بلکوبندی های قومی- ناسیونالیستی- مذهبی در منطقه یافته اند. همیشه ناسیونالیسم کرد تلاش کرده است بقول خودش در "شکافهای منطقه" راهی بجلو باز کند و امروز بلکوبندی های اخیر منطقه حول بحران سوریه و جنگ با داعش شرایط تازه ای برای ایفای نقش ناسیونالیسم کرد بوجود آورده است. "شکافهای منطقه ای" مورد نظر ناسیونالیسم کرد امروز شکل یک جنگ وحشیانه بین دار و دسته های هار قومی و اسلامی، دولتهای ارتجاعی منطقه - بویژه عربستان و ترکیه و جمهوری اسلامی- و دخالتگریهای دولت آمریکا و روسیه را بخود گرفته است و نیروهای ناسیونالیست کرد بخیال خود بدنبال استفاده از این شرایط برای به بازی گرفته شدن و سهیم شدن در قدرت سیاسی و بنوعی تکرار تجربه دولت اقلیمی در عراق هستند. در نقد مواضع اخیر کومله نوشته ای دیدم که میگفت کومله به سمت راه حل آمریکائی مساله کرد سوق پیدا میکند - با توجه به همراهی احزاب کرد با نیروهای آمریکائی و در قالب استراتژی آمریکا برای حل و فصل مسائل منطقه. اما به نظر من این راه حل آمریکائی مساله کرد نیست، راه حل کردی مساله آمریکا است. دولت آمریکا راه حلی برای مساله کرد ندارد - و ادعائی هم نکرده است- بلکه برای تثبیت هژمونی اش و پیشبرد سیاستهایش در بلوکبندیهای منطقه نیروهای ناسیونالیست کرد را به بازی گرفته است. دولت آمریکا بعد از به گل نشستن ماشین جنگی اش در منطقه در پی آنست که به کمک نیروهای محلی از جمله نیروهای کرد امرش را در منطقه به پیش ببرد. اسم درست تر این سیاست راه حل کردی مساله آمریکا است.

البته منظور من این نیست که سیاست و استراتژی دولت آمریکا مستقیما در موضعگیری اخیر کومله تاثیر داشته است. بلکه کلا فضای سیاسی و زمینه و وضعیتی که امروز در منطقه بوجود آمده متاسفانه شرایطی ایجاد کرده که کمونیستی مثل ابراهیم علیزاده را به سمت راه حل کردی مساله آمریکا سوق میدهد.

**رادیو پیام:** در گفتگوئی که ما با اقای علیزاده داشتیم نظر ایشان این بود که فعالیتهای کومله و حزب کمونیست ایران صرفا به این ائتلاف ختم نمیشود و با احزاب چپ هم حزب کمونیست ایران همین رابطه را داشته است. و هدفشان در واقع جوابگوئی به معضلی در جامعه هست.

**حمید تقوائی:** بله ابراهیم علیزاده اصرار دارد که این یک تاکتیک عملی هست در پاسخگوئی به مسائل واقعی و عملی در جنبش کردستان و غیره. روشن است که هر حزب و نیروئی که در جامعه دخیل است و میخواهد تاثیرگذار باشد در مقاطع مختلف لازمست چنین تاکتیکهائی هم اتخاذ کند. حزب ما هم در عرصه های مختلفی مثل مبارزه علیه اعدام و سنگسار، برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه دولتها و نیروهای اسلامی و غیره در موارد متعددی با سازمانها و گروههای دیگر حتی نیروهای غیرکمونیست کمپینهای مشترکی داشته است. مساله این نیست. مساله اینست که در توضیح این حرکت مشترک بجای اینکه آنرا یک اتحاد عمل مقطعی بین یک حزب کمونیستی و ناسیونالیستی بدانید و معرفی کنید و بگوئید با یک حزب ناسیونالیستی، که اهداف و استراتژی و سیاستهایش مورد نقد همیشگی ما است، برسر انتخابات یک بیانیه مشترک داده اید - که میشد همین را گفت و گذشت- به یک تبیین و توضیح و توجیه ماوراء طبقاتی و نادرست و توهم برانگیز متوسل میشوید. ابراهیم علیزاده میگوید مردم میخواهند ما در کنار هم ظاهر شویم. این وحدت طلبی مردم را نمیشود غیر انتقادی پذیرفت و بر مبنایش سیاست تعیین کرد. پس نقش پیشرو شما، نقش آگاهگرانه شما چه میشود؟

فرهنگ مسلط بر مردم فرهنگ طبقه حاکمه است. اینکه ما خلق کرد هستیم و باید در برابر دشمن اصلیمان که فارسها هستند متحد باشیم و منافع و خواستهای ملت کرد یکسان است و غیره اینها را بورژوازی کرد در ذهن جامعه فروکرده است. یک وظیفه تعطیل ناپذیر ما کمونیستها نقد و افشای این دروغ و فریب است. اگر هم جائی وحدت عمل تاکتیکی با یک حزب راست بورژوائی داریم تبلیغات و آگاهگری خودمان را تعطیل نمیکنیم. ابراهیم علیزاده ماسفانه کاملا برخلاف این حرکت میکند. پاسخ به "وحدت طلبی مردم" در واقع توجیه و محملی است برای تمکین به توهم پراکنی های ناسیونالیستی در جامعه.

این را هم بگویم که این موضعگیری ناسیونالیستی کومله ابتدا بساکن نبود. دوسال قبل ابراهیم علیزاده روایتی از تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران بدست داد که بطور عجیبی نقش اتحاد مبارزان و مارکسیسم انقلابی و منصور حکمت در آن خط خورده بود. من یاد آن عکسهائی از انقلاب اکتبر افتادم که استالین با رتوش کردن تصویر تروتسکی منتشر میکرد. این روایت جعلی از تاریخ آنقدر شور بود که حتی در صفوف خود حزب کمونیست ایران مورد اعتراض قرار گرفت. کادرهای قدیمی تر که در تجربه تشکیل حزب دخیل بودند نمیتوانستند این درجه از تحریف و مسخ و انکار حقیقت را براحتی بپذیرند. این امری اتفاقی نبود، تاریخ و سابقه کمونیستی کومله را بازسازی میکردند که به مذاق ناسیونالیستها خوش بیاید.

مورد دیگر شرکت کومه له در کنگره ملی کرد بود که گرچه بجائی نرسید ولی نشانه دیگری از جهتگیری ملی- منطقه ای این سازمان بود.

میخواهم بگویم موضعگیری اخیر کومله در مورد انتخابات آخرین مورد از یک حرکت به راست است که نشانه ها و جوانه هایش از چند سال قبل قابل مشاهده بود. با این همه من شخصا تصور نمیکردم که زمانی مصاحبه ای از ابراهیم علیزاده بشنوم که "در پاسخ به وحدت طلبی مردم" کومله و خبات و حزب دمکرات را متعلق به یک جنبش بداند.

جالب اینجاست که خود ابراهیم علیزاده میگوید خبات به تعهدش پایبند نماند و از انتخابات شوراها دفاع کرد. خوب سئوال من اینست که اگر واقعا میخواستید در همان کردستان یک موضع رادیکال شفاف و پیگیر علیه انتخابات اتخاذ کنید بهتر نبود با احزاب و نیروهای کمونیست در کردستان اتحاد عمل داشته باشید؟ شما با کسانی ائتلاف کرده اید که حتی بر سر انتخابات موضع پیگیر و قاطعی نداشته اند. توجیه ابراهیم علیزاده اینست که به این ترتیب مردم متوجه ناپیگیری نیروهای دیگر میشوند! باید گفت مردم نیازی به این نوع تجربه سازی ها ندارند. مردم منتظر ائتلاف شما نبودند تا سازمانی مثل خبات را بشناسند. ناپیگیریها، سازشکاریها، و مواضع ارتجاعی نیروهای ناسیونالیست و مذهبی در کردستان که در دوره ای با بنی صدر ساختند و در دوره دیگری با خاتمی و امروز هم با روحانی، معرف حضور همه هست. اینها را همه مردم تجربه کرده اند و نقد این مواضع جزئی از آگاهگری همیشگی ما کمونیستها بوده است. ائتلاف شما ناپیگیری اینها را برملا نمیکند، برعکس به آنها اعتبار میدهد. خیلی ها حتی اسم سازمان خبات را فراموش کرده بودند اما با این ائتلاف دوباره مطرح شد و اسمش سر زبانها افتاد.

نکته مهم دیگر اینست که برای یک حزب سیاسی ائتلاف فقط یک عمل مقطعی و دوره ای نیست بلکه بر متن یک استراتژی و سیاست عمومی تری قرار میگیرد. هر حزب سیاسی چپ و رادیکالی که واقعا بفکر مردم است اگر ببیند عمل تاکتیکی اش با وجود دستاوردهای مقطعی که ممکن است دربر داشته باشد، پیامدهای و نتایج سیاسی منفی ای بدنبال خواهد داشت و نهایتا به تقویت موقعیت نیروهای راست منجر خواهد شد عطای آن عمل مشخص را به لقایش خواهد بخشید.

میخواهم بگویم جواب به وحدت طلبی مردم و یا مقابله فعال با انتخابات چیزی را توجیه نمیکند. به نظر من اساس مساله اینجاست که ابراهیم علیزاده دارد کومله و حزب کمونیست ایران را بزیر چتر ناسیونالیسم میبرد و در میدان ناسیونالیسم کرد ظاهر میشود. روایت و تبیینی که علیزاده از تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران داد به نظر من اولین نشانه این بود که دارد از حقیقت و از آنچه واقعا اتفاق افتاد و از رادیکالیسمی که روزی موجب افتخار کومله و حزب کمونیست ایران بود دور میشود.

تا آنجا که به رابطه با نیروهای چپ و کمونیست مربوط میشود در همین انتخابات یک طومار چند صد نفره امضا شد از چهره ها و فعالین عمدتا چپ در کردستان علیه انتخابات و از یک موضع رادیکال و قاطع و شفاف. کومله پای این نیامد. در خارج کشور هم از همکاری با سازمانهای چپ که امری معمول بود، خودداری کرد. چون از نیروهای ناسیونالیستی یارگیری کرده بود. اگر مساله مقابله با انتخابات جمهوری اسلامی است شما باید در خارج کشور و در شهرهای غیر از کردستان هم در کنار نیروهای کمونیست که خیلی پیگیر تر از نیروهای انتلافی شما علیه انتخابات فعال بودند قرار میگرفتید.

همه چیز نشان میدهد که موضعگیری اخیر کومله متاسفانه یک انتلاف مقطعی نیست، یک انتخاب سیاسی است. ابراهیم علیزاده انتخابش را کرده است. او تصمیم گرفته است کومله را ببرد در میدان ناسیونالیسم کرد و آینده تشکیلات خود را در بلوکبندیها و مناسبات و معادلات منطقه ای جستجو کند. امیدوارم کومله بخودش بیاید و این حرکت ادامه پیدا نکند. این راهی که آغاز شده سرانجام خوبی نخواهد داشت.